

رنگ آمیزی تلویزیون با آثار مستند



وقتی صحبت از مستند تلویزیونی به میان می‌آید بیشتر اذهان متوجه قالب‌های شناخته شده این هنر یعنی مستندهای اجتماعی، تبلیغاتی، حیات وحش، آموزشی و... می‌شود، اما دنیای مستند محدود به این چند شاخه نمی‌شود و در آن فهرست متنوعی از ساختارها برای القای پیام پیش‌بینی شده است.

جام جم آنلاین: وقتی صحبت از مستند تلویزیونی به میان می‌آید بیشتر اذهان متوجه قالب‌های شناخته شده این هنر یعنی مستندهای اجتماعی، تبلیغاتی، حیات وحش، آموزشی و... می‌شود، اما دنیای مستند محدود به این چند شاخه نمی‌شود و در آن فهرست متنوعی از ساختارها برای القای پیام پیش‌بینی شده است.

مجموعه مستند « آخرین روزهای زمستان» که بتازگی از شبکه یک پخش شد، این مدعا را ثابت می‌کند. این مجموعه مستند که در زیرشاخه « درام مستند» قرار می‌گیرد تلفیقی از صداها و تصاویر واقعی با بازسازی مستندگونه بخشی از رخدادها دفاع مقدس بود. در این مستند، بازسازی فرازونشیب‌های زندگی شهید باقری آنچنان هنرمندانه انجام شده بود که کمتر کسی تشخیص می‌داد آن صحنه‌ها با حضور چند بازیگر تصویربرداری شده است.

هم اکنون سریال « با من حرف بزن» نیز از شبکه تهران در حال پخش است که رگه‌هایی از مستند داستانی در ساختار آن دیده می‌شود. مستند « با بانظر» که برای شبکه مستند ساخته می‌شود نیز نمونه دیگری از مستندهای بازسازی شده است.

اما تعداد مستندهای داستانی که از شبکه‌های مختلف پخش می‌شود، چندان زیاد نیست. این مساله می‌تواند ناشی از کم‌دانشی مستندسازان، سرمایه‌گذاری نکردن تلویزیون روی این بخش و شناخت ناکافی مخاطبان از گونه‌های مستندسازی باشد. صاحب‌نظران، مدیران و مستندسازان درباره دلایل تنوع نداشتن ساختاری مستندهای تلویزیونی نظرات متنوعی دارند.

تاثیر مستند بازسازی بیشتر است

شبکه مستند که متولی اصلی تولید و پخش مستندهای سینمایی و تلویزیونی است کار « به خدا تعظیم می‌کنم» را به تهیه‌کنندگی ناهید دل‌آگاه ساخته است که نوعی بازسازی مستندگونه کتاب با بانظر محسوب می‌شود.

رضا پورحسین، مدیر شبکه مستند تلویزیون در گفت‌وگو با جام‌جم درباره رویکرد این شبکه به ساخت مستندهای بازسازی شده گفت: یکی از شاخه‌های مستندسازی که مورد توجه ما قرار دارد، مستند بازسازی است. اگر برنامه « به خدا تعظیم می‌کنم» را که روایتی از کتاب شهید با بانظر است ملاحظه کرده باشید، در می‌یابید این شبکه به مستند بازسازی توجه داشته و دارد. برخی از صحنه‌های این کتاب که خاطرات شهید با بانظر است، بازسازی شد و برخی دیگر از صحنه‌ها به شکل واقعی در اختیار مخاطب قرار گرفت.

وی افزود: من هم قبول دارم اگر سوژه خوبی انتخاب شود، این‌گونه مستند تأثیر بیشتری نسبت به گونه‌های دیگر مستند دارد. خوشبختانه از این کار هم بخوبی استقبال شد و قرار است این روبه‌را دربارہ چند کتاب دیگر انجام دهیم.

این مدیر تلویزیونی استفاده از اصطلاح مستند داستانی را درست ندانست و توضیح داد: به نظر من بهتر است از واژه مستند بازسازی به جای مستند داستانی استفاده کنیم. چون در داستان، میزانی از تخیل وجود دارد که نمی‌تواند در مستند استفاده شود. « آخرین روزهای زمستان» به نظر من یکی از بهترین مستندهای پرتنه در موضوع دفاع مقدس است. ترکیب صداها واقعی با چهره بازسازی شده و ایجاد موقعیت‌های جنگی متناسب با موضوع هستند و روایت روان این اثر، آن را به یک مستند فاخر و دیدنی تبدیل کرده است. توفیق مستند آخرین روزهای زمستان نشان می‌دهد ذائقه مخاطبان نسبت به مستند تغییر کرده و مردم بیشتر از قبل، مستند می‌بینند. وی با اشاره به موفقیت‌های مستند شهید باقری در جذب مخاطب خاص و عام گفت: این تغییر ذائقه و توجه به مستند، یک توفیق بزرگ برای رسانه ملی است. طبیعی است وقتی تقاضا برای دیدن مستند افزایش می‌یابد و مستندهایی از نوع آخرین روزهای زمستان هم به شکل مطلوب به بیننده عرضه می‌شود، مستندسازان برای تولید چنین آثاری ترغیب می‌شوند. البته انتخاب سوژه علاوه بر نوع پرداخت و کارگردانی نیز بسیار مهم است. زندگی کوتاه شهید حسن باقری با آن همه فراز و نشیب، ویژگی‌های خاصی دارد که تماشایش برای مردم جذاب است.

پورحسین در پاسخ به این پرسش که ساخت مستندهای بازسازی شده با چه دشواری‌هایی همراه است، اظهار کرد: در واقع هیچ مانعی بر سر راه تولید مستندهای بازسازی وجود ندارد، اما محدودیت‌های مالی و نیز کمبود پژوهش در این زمینه، تولید چنین آثاری را محدود می‌کند. در هر صورت، مدیریت فرهنگی اقتضا می‌کند با وجود محدودیت‌ها، این‌گونه آثار بیشتر تولید شود؛ چون خاصیت مستند این است که واقعه، شخصیت یا هر پدیده دیگری را در تاریخ ثبت می‌کند و اگر از روایت خوب و پژوهش قوی برخوردار باشد، تأثیر بیشتری هم به جا می‌گذارد و این تأثیر به نسل بعدی هم منتقل می‌شود.

تفاوت‌های درام مستند با مستند داستانی

محمدحسین مهدویان موضوع پایان‌نامه‌اش را به شناساندن قالب «#درام مستند» اختصاص داده و در فیلم آخرین روزهای زمستان نیز در مقام کارگردان دانسته‌هایش را به صورت عملی اجرا کرده است.

او در گفت‌وگو با جام‌جم اثر مستندش را یک درام مستند دانست و گفت: درام مستند با مستند داستانی تفاوت‌های ظریفی دارد. مستند داستانی مستندی است که از شیوه‌های داستانی استفاده می‌کند، اما درام مستند اساساً یک درام است که بخش‌هایی از آن سبک مستند دارد؛ یعنی در اینجا تقدم بر درام است و در اولی تقدم بر داستان. با این حساب می‌توانیم آخرین روزهای زمستان را یک درام مستند بدانیم و نه مستند داستانی.

از این کارگردان درباره این‌که چرا مستندهای اینچنینی در تلویزیون کمتر ساخته می‌شود، پرسیدیم. او معتقد است: در تلویزیون، درام مستند هنوز جایگاهش را پیدا نکرده است. بیشتر کارها تلفیق چند گونه مستند هستند که ممکن است تنه به درام مستند بزنند. البته سه سال پیش مجموعه‌ای درباره زکریای رازی از تلویزیون دیدم که ساختارش یک درام مستند تمام عیار بود. در این مجموعه زندگی زکریای رازی با حضور یک بازیگر بازسازی شده بود.

پژوهش‌های ما به روز نیست

مهدویان با اشاره به آنچه در دیگر کشورها در جریان است، تأکید کرد و گفت: در سینمای دنیا درباره ظهور و سقوط امپراتوری روم و زندگی موجودات قبل از دایناسورها درام مستندهای خوبی ساخته شده است؛ ولی ما معمولاً 40، 50 سال از سینمای دنیا عقب هستیم و دیرتر به جریان‌های موجود می‌پیوندیم. سال 2000 چهار درصد تولیدات سینمای مستند دنیا درام مستند بود که این رقم سال 2005 به 64 درصد رسیده است. این آمار در حاشیه بازار فیلم مستند جشنواره کن منتشر شده است. تهیه‌کنندگان وقتی بینند قالبی پرتعداد است و جواب می‌دهد به طرفش می‌روند.

پورحسین: این تغییر ذائقه و توجه به مستند، یک توفیق بزرگ برای رسانه ملی است. طبیعی است وقتی تقاضا برای دیدن مستند افزایش می‌یابد، مستندسازان برای تولید چنین آثاری ترغیب می‌شوند

این کارگردان علت تولید محدود این‌گونه مستندها را کم‌دانشی مستندسازان دانست و گفت: وقتی در تلویزیون ایران چیزی باب شود بودجه‌اش هم تأمین می‌شود. به عنوان مثال ما تا چند سال پیش سریال‌های فاخر نداشتیم، اما وقتی تعدادی ساخته شد مسئولان بودجه‌ای تخصیص دادند و در سال چند سریال «#الف ویژه» تولید شد. فیلمسازان ما خیلی به روز نیستند و پژوهشگرانی هم که تحقیقات به‌روزی دارند با بدنه تولید ارتباط ندارند. ضمن این‌که در این زمینه کار نظری جدی صورت نگرفته است. محمد تهامی کتابی با عنوان «#مقدمه‌ای بر مستند تلویزیونی» نوشته است. چند کتاب دیگر هم در این رابطه نوشته شده؛ ولی من در یافتن منابع فارسی که درباره درام مستند اطلاعاتی داشته باشد خیلی مشکل داشتم. به گفته مهدویان اکنون خیلی از شبکه‌های غربی به انتکای مستندهایشان بقا دارند و هر روز فربه‌تر می‌شوند. اما در تلویزیون ما مستند جزو قالب‌های ارزان و وقت پرکن است.

تصویر مصاحبه‌های از پیش نوشته‌شده

در نظر بسیاری از مخاطبان، مستند قالب خسته‌کننده‌ای است که می‌خواهد یک سری گزاره‌های علمی را در قالب تصویر و گفتار آموزش دهد. بنابراین همین که برچسب مستند به یک کار تصویری می‌خورد، بیننده هوس می‌کند شبکه تلویزیون را عوض کند، غافل از آن که در «#درام مستند» نیاز مخاطب به هیجان و تعلیق پیش‌بینی می‌شود و داستان جذاب و پرفراز و نشیب در اختیار بیننده قرار می‌گیرد.

سریال با من حرف بزن که پخش آن بتازگی از شبکه تهران آغاز شده از قالب مستند داستانی استفاده می‌کند. در این کار مخاطب احساس می‌کند با یک کار کاملاً مستند طرف است، در صورتی که بیشتر صحنه‌ها بازسازی شده است. در این سریال گزارشی از یک واقعه را می‌بینیم و با آدم‌های درگیر واقعه مصاحبه انجام می‌شود، اما مصاحبه‌ها هم بخشی از فیلمنامه است؛ یعنی متن مصاحبه از پیش نوشته شده است.

علیرضا محمودی ایران‌مهر، نویسنده فیلمنامه با من حرف بزن درباره قالب این کار گفت: در سریال با من حرف بزن رگه‌هایی از مستند وجود دارد به این معنا که داستان‌های مجموعه ریشه در واقعیت و پرونده‌های قضایی دارد. این ساختار باعث می‌شود باورپذیری سریال بالا برود؛ چون مجموعه‌ای از حرف‌ها و گزارش‌ها که درام را شکل می‌دهد در واقعیت اتفاق افتاده است. وی افزود: این شیوه در داستان #171؛ آبروی از دست رفته کاترینا بلوم» نوشته هاینریش بل هم استفاده شده است، یعنی در آنجا هم چند پرونده قضایی در کنار هم چیده می‌شود. درخیلی از فیلم‌های داستانی هم می‌بینیم شروع ماجرا با چند مصاحبه و گزارش مستند است. با این حال قالب مستند ده‌ها زیر شاخه دارد که هر کس می‌تواند چند تا از اینها را با هم ترکیب کند. این نویسنده با اشاره به دسته‌بندی‌های موجود در دنیای مستندسازی توضیح داد: مستندها را هم براساس موضوعی که انتخاب می‌کنند می‌توان دسته‌بندی کرد و هم بر اساس ذهنی یا عینی بودن آنها مثلاً وقتی داریم درباره شایعه پایان یافتن دنیا حرف می‌زنیم یک مستند کاملاً ذهنی می‌سازیم و وقتی درباره خلیج فارس کار می‌کنیم مستند، عینی خواهد بود. مستندسازی مثل استفاده از یک جعبه مداد رنگی است. هرکارگردانی چند رنگ مختلف را با هم ترکیب می‌کند و براساس درصد عناصری که استفاده کرده به یک رنگ جدید می‌رسد.

250 دقیقه بازسازی در یک مستند

حبیب والی‌نژاد، مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه یک #171؛ روایت کتاب دا» و آخرین روزهای زمستان را جزو مستندهای جذاب تولیدشده در تلویزیون دانست و گفت: در ادامه تجربه کتاب دا قرار است کتاب #171؛ نورالدین پسر ایران» نیز توسط هنرمندان مرد خوانده شود. مستند #171؛ خاطراتی برای تمام فصول» نیز در حال پخش است. در این مستند پزشکیانی که در اتریش جانبازان شیمیایی را مداوا کرده‌اند درباره ابعاد این فاجعه صحبت می‌کنند، در حالی که قبلاً در این گونه فیلم‌ها فقط با جانبازان شیمیایی صحبت می‌شد.

والی‌نژاد در روند تولید فیلم آخرین روزهای زمستان نقش تهیه‌کننده را به عهده داشت. وی با بیان این که در مجموع 250 دقیقه از زندگی شهید باقری بازسازی شده است، گفت: این مجموعه در 80 لوکیشن مختلف کار شده و خیلی از حوادث مهم جنگ در آن بازسازی شده است.

از صحبت‌های مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه یک و مدیر شبکه مستند می‌توان این‌گونه فهمید که مستند آخرین روزهای زمستان توانسته، دید مخاطبان و مدیران را به قالب مستند تغییر دهد. هم‌اکنون مردم منتظر دیدن مستندهای خلاقانه‌تر و جذاب‌تر هستند و مدیران نیز آمادگی دارند آثاری با ساختارهای نوآورانه در قالب مستند تولید کنند. باید منتظر بمانیم و ببینیم جریان مستند داستانی در تلویزیون ما به چه سمت و سویی حرکت می‌کند.

احسان رحیم‌زاده / گروه رادیو و تلویزیون